



Thematic Analyzing the Concept of *Faql* in the Quran with the Aim of Identifying Its Denotation and Educational Type

Sayyid Mohammad Borumand, Ph.D. Student of Islamic Studies Teaching, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Dr. Vahideh Fakhar Noghani



(Corresponding Author), Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: fakhar@um.ac.ir

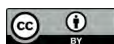
Dr. Ayyob Akrami, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Dr. Hossein Baghgoi, Assistant Professor, Department of Fundamentals of Education, Faculty of Education Sciences and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Abstract

Religious literature is a gateway to the world of meanings and educational teachings. Still, over time, reaching its depths has become difficult for modern humanity. So, it is necessary to examine religious-educational statements deeply. In this article, using the "thematic analysis" method, the concept of *faql* (grace) has been studied from an educational perspective. The result of applying this method is extracting those themes of Quranic statements that arrange the "themes network" of *faql* in three theme levels: "basic," "organizing" and "global." Based on the analysis, "God's *faql*" (Allah's grace) is a dynamic act that is given to the human without equation with his deed, based on Allah's great grace. Essential elements of encountering grace are great kindness, forgiveness, protecting, encouraging, creating confidence, purity, and honesty. Therefore, it is possible to identify the psychological-educational type of graceful encounter in a range close to humanist approaches.

Keywords: *Faql*, Unconditional positive attention, Thematic analysis, Islamic education



©2025 The author(s). This is an open access article distributed under [Creative Commons Attribution](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[4.0 International License \(CC BY 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).



تحلیل مضمون موضوع «فضل» در قرآن، با هدف شناخت دلالت و سنخ تربیتی آن

سید محمد برومند

دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر وحیده فخار نوغانی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: fakhar@um.ac.ir

دکتر ایوب اکرمی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر حسین باغگلی

استادیار گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

ادبیات دینی دریچه‌ای است گشوده، رو به دنیای معانی و معارف تربیتی که گذر زمان رسیدن به ژرفای آن را برای بشر امروز دشوار ساخته است. از این رو سزاوار است گزاره‌های دینی-تربیتی، ژرف‌کاوانه مورد پایش قرار گیرند. در این نوشتار، موضوع «فضل» در قامت مقوله‌ای تربیتی با روش «تحلیل مضمون» بررسی شده است. بر ایند کار بست روش تحلیل مضمون، استخراج مضامینی از گزاره‌های قرآنی است که در سه سطح «مضامین پایه» و «سازمان‌دهنده» و «فراگیر»، «شبکه مضامین» فضل را سامان داده است. براساس این تحلیل، «فضل خدا» کنشی پویا و بدون موازنه با عمل مخاطب است که بر بنیان لطف بسیار پروردگار به انسان محقق می‌شود. ارکان اصلی مواجهه بر مبنای فضل نیز عبارت‌اند از: مهربانی بسیار، گذشت، حمایتگری، امیدبخشی، اطمینان‌بخشی، خلوص و صداقت. از این رو، می‌توان مواجهه فاضلانه را به لحاظ سنخ روان‌شناختی-تربیتی، در گستره‌ای نزدیک به رویکردهای انسان‌گرایانه بازشناخت.

واژگان کلیدی: فضل، توجه مثبت نامشروط، تحلیل مضمون، تربیت اسلامی.

مقدمه

نگرش دانشمندان علوم رفتاری به ماهیت انسان و نظریه‌های گوناگون شخصیت، براساس پاسخ‌های آنان به پرسش‌های بنیادی درباره سرشت آدمی ارائه شده‌اند. این پرسش‌ها با ویژگی‌های اصلی انسان ارتباط دارند که به صورت فرضیه‌هایی دوقطبی درباره ماهیت انسان ارائه شده‌اند.^۱ برای مثال، دوقطبی ذهنیت-عینیت در پاسخ به این سؤال مطرح شده است که رفتار آدمی متأثر از عوامل ذهنی و روانی است یا تحت تأثیر عوامل عینی و بیرونی؟ و یا دوقطبی درون‌کنشی-برون‌کنشی بیانگر فرضیه‌های مربوط به این سؤال است که آیا انسان موجودی فعال است و رفتار خویش را از درون شکل می‌دهد یا موجودی منفعل است و رفتار او پاسخ‌های انعکاسی به محرک‌های بیرونی است؟ همچنین جای تردید نیست که نوع نگرش دانشمندان به ماهیت انسان، در شیوه‌های تربیتی و درمانی و نحوه مواجهه با متربی و درمان‌جو تأثیرگذار بوده است. در اندیشه تربیتی اسلام نیز شخصیت انسان ارزیابی شده است و شیوه‌های متنوعی از مواجهه با متربی پیشنهاد می‌شود. طبیعتاً نوع ارزیابی اندیشه اسلامی از ماهیت انسان در پیوستار دوگانه‌های یادشده به یکی از مکاتب پیش گفته نزدیک‌تر خواهد بود. حال پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که آیا نظریه شخصیت اندیشه اسلامی با آنچه به عنوان راهکارهای اجرایی و عملیاتی پیشنهاد شده است، سازگاری دارد؟ یعنی اگر انسان در نگرش اسلامی موجودی آزاد با فطرت کمال‌جو و مسئولیت‌پذیر و... شناخته می‌شود آیا نوع رابطه تربیتی اجراشده و توصیه شده نیز با این نگرش‌های بنیادین همخوان است؟ برای نمونه، مواجهه مبتنی بر اصل فضل با بسامد بالا در ادبیات تربیت اسلامی در قالب آیات و گزاره‌های شهرت‌یافته‌ای، بسان «اللّٰهُمَّ عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُعَامِلِنَا بِعَدْلِكَ» به چشم می‌خورد. براساس همین ادبیات، «فضل» فراتر از «عدل» و به عنوان رابطه‌ای مبتنی بر عدم موازنه معرفی می‌شود،^۲ اما آیا رابطه مبتنی بر فضل با اندیشه بنیادین اسلام درباره انسان سازگار است؟ برای پاسخ به این پرسش شایسته است که به چند پرسش دیگر پاسخ دهیم: اینکه فضل و رفتار فاضلانه دقیقاً چه دلالت و معنای تربیتی را منتقل می‌کند و براساس دلالت منتقل شده، با چه سنخ و سبکی از انواع مواجهه مطرح شده در مکاتب روان‌شناسی سازگاری دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که نویسندگان این نوشتار را به کنکاش راجع به مضمون فضل برانگیخته است. از این رو شایسته است مؤلفه‌های تربیتی مضمون فضل در یک خاستگاه دینی اصیل، مانند قرآن کریم واکاوی شود تا با تجزیه و تحلیل مضمون فضل، لایه‌های پنهان آن نمایان شود و در پی آن، سازگاری یا ناسازگاری‌اش با مفاهیم مطرح شده در علوم رفتاری و نظریه شخصیت

۱. نک: جدول شماره یک.

۲. باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۶۲.

اسلامی مشخص شود.

بنابراین، این جستار با چند پرسش روبه‌روست: مؤلفه‌ها و ابعاد مضمون فضل در آیات قرآن کریم چیست؟ فضل، مواجهه‌ای رفتارگرایانه برای کنترل رفتار است یا برخوردی انسان‌گرایانه است برای اهدای حس ارزشمندی و بیداری انگیزش درونی؟

۱. ادبیات نظری پژوهش

أ. فرضیه‌های اساسی درباره ماهیت انسان: چنانچه گذشت نگرش یک دانشمند علوم رفتاری به فرضیه‌های اساسی درباره ماهیت انسان، جایگاه او را پیوستار مربوط به هر فرضیه نمایان می‌سازد. ازاین‌رو به‌نماینده‌ای از دو رویکرد مهم روان‌شناسی، دیدگاه‌های «راجرز» از مکتب انسان‌گرا و «اسکینر» از مکتب رفتارگرا در جدول زیر مشخص شده‌اند.

جدول شماره یک: دیدگاه‌های «راجرز» و «اسکینر» نسبت به فرضیه‌های اساسی درباره ماهیت انسان^۳

	شدید	متوسط	ضعیف	میانه	ضعیف	متوسط	شدید	
جبرگرایی ^۴	S ^۵							آزادی ^۶
محیطی‌نگری ^۹	S ^{۱۰}							سرشتی‌نگری
عینیت ^{۱۲}	S ^{۱۳}							ذهنیت
برون‌کنشی	S							درون‌کنشی R ^{۱۵}

راهنمای جدول یک: R: راجرز S: اسکینر

۳. برگرفته‌شده از بشیری، حیدری، روانشناسی شخصیت، ۱۰۸؛ نک: فرس، تیموتی، روانشناسی بالینی، ۵۲۴ و ۵۲۵. برای شناخت مفاهیم نک: شکرکن و همکاران، مکتب‌های روانشناسی، ۱۳، ۵۸، ۵۹، ۱۴۱، ۲۰۸، ۲۱۱، ۴۷۵-۴۸۰؛ بشیری، حیدری، روانشناسی شخصیت، ۸۹-۱۰۷؛ نک: پانوشت مرتبط با هرکدام از اصطلاحات.

۴. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۷ و ۱۸.

۵. کوری، نظریه و کاربری مشاوره و روان‌درمانی، ۳۴۰.

۶. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۸.

۷. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۸.

۸. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۸.

۹. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۸؛ نک: لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۸، ۱۶۱، مبحث محیط‌گرایی واتسون.

۱۰. کوری، نظریه و کاربری مشاوره و روان‌درمانی، ۳۴۰؛ هرنگهان، تاریخ روانشناسی، ۵۵۹.

۱۱. هرنگهان، تاریخ روانشناسی، ۷۳۶.

۱۲. ذهنی‌نگری در برابر عینی‌نگری نک: لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۱۳.

۱۳. کوری، نظریه و کاربری مشاوره و روان‌درمانی، ۳۴۰.

۱۴. لاندین، نظریه‌های نظام‌های روان‌شناسی، ۳۱۶.

۱۵. هرنگهان، تاریخ روانشناسی، ۷۳۷.

این جدول، گویای تقابل و تفاوت نگرش این دو رویکرد روان‌شناسی به ماهیت انسان است. ازاین‌رو، مضامین تولیدشده در هر طرف، دستورالعمل‌های اجرایی متفاوتی در مواجهه با مخاطب را نتیجه می‌دهد؛^{۱۶} مثلاً اینکه اسکینر انسان را موجودی منفعل می‌داند و رفتار او را پاسخ‌های انعکاسی به محرک‌های بیرونی در نظر می‌گیرد،^{۱۷} سبب شده نظام مواجهه او بر مبنای شرطی‌سازی یا «محرک-پاسخ» طراحی شود. همین نگرش در رفتارگرایی سبب شده تا راجرز در رویکردی انتقادی و مقابله‌ای،^{۱۸} مواجهه «مثبت بدون شرط»^{۱۹} را پیشنهاد دهد. بی‌تردید، توجه به مبانی و دستورالعمل‌های اجرایی دو گروه^{۲۰} یادشده در ارزیابی ما از مضمون «فضل» و در قضاوت ما درباره اینکه روش «تفضل» با کدام نوع از مواجهه هماهنگ‌تر است، مؤثر خواهد بود.

ب. پیش‌فرض‌های روان‌شناختی: برای دقت در تطبیق مضمون فضل با مضامین روان‌شناختی دو مکتب شاخص رفتارگرایی و انسان‌گرایی، استخراج مضامین اساسی از هریک از مکاتب، ضروری به نظر می‌آید. ازاین‌رو، از مجموع داده‌های مرتبط با هر نگرش روان‌شناختی یادشده چند مضمون انتزاع شده تا دست‌مایه‌ای در فرایند تحلیل مضمون فضل باشد. باتوجه‌به اینکه رهیافت رفتارگرا رفتار را نتیجه محرک‌های بیرونی می‌داند و بر استفاده از انواع شرطی‌سازی تأکید دارد، این پیش‌فرض‌ها انتزاع‌شدنی است: اولاً، رفتار مری در بند رفتار متری است و در یک موازنه و تناسب با عملکرد مخاطب بروز پیدا می‌کند؛ ثانیاً، رفتار انسان، قانونمند و براساس قرارداد نوشته یا نانوشته تنظیم می‌شود؛ یعنی مخاطب مدام خود را در مواجهه با چنین جمله‌ای می‌بیند که: «این کار را بکن تا فلان پاداش را بگیری.»^{۲۱} پس در مقابل عمل ما همیشه مابه‌ازایی مثبت یا منفی کنترل‌گر و پیش‌بینی‌پذیر وجود دارد.^{۲۲} در سوی دیگر، انسان‌گراها با تأکید بر خودشکوفایی انسان و در رویکردی انتقادی بر پروژه شرطی‌سازی، این مضمون محوری را پررنگ کردند که باید با مخاطب به‌عنوان موجودی خودانگیخته و خوداتکا و بدون توجه به رفتارش مواجه شد و در همین راستا، مواجهه‌ای از نوع «توجه مثبت بدون شرط»^{۲۳} را پیشنهاد دادند؛ با این توضیح، اگر مواجهه پیشنهاد

۱۶. شکرکن و همکاران، مکتب‌های روانشناسی و نقد آن، ۲۶۴.

۱۷. فیرس، تیموتی، روان‌شناسی بالینی، ۵۲۴.

۱۸. هرگنهان، تاریخ روانشناسی، ۷۴۱.

۱۹. unconditional positive regard-

۲۰. سخن، ناظر به تفکرات ناب این دو مکتب است.

۲۱. کن، نه تشویق، نه تنبیه، ۱۵.

۲۲. برای نمونه، فقط توجه به چند اصطلاح رویکرد اسکینری، برداشت‌های پادشده را تأیید می‌کند: ۱. شکل‌دهی، ۲. وقفه (محروم‌کردن موقتی)، ۳. قرارداد وابستگی (قرارداد بین درمانگر و بیمار)، ۴. قانون مادر بزرگ (اول کار بعد بازی)، ۵. اقتصاد ژتونی (نک: فیرس، تیموتی، روان‌شناسی بالینی، ۵۳۸ و ۵۳۹).

۲۳. نگرش مراقبت، پذیرش و قدردانی که دیگران نسبت به فردی بدون توجه به رفتار او و معیارهای شخصی دیگران ابراز می‌کنند (<https://dictionary.apa.org/unconditional-positive-regard>): (توجه مثبت و پذیرش بدون شرط یعنی): اهمیت‌دادن عمیق، اصیل و صمیمانه به

شده در اندیشه تربیتی اسلامی در گرو رفتار مخاطب باشد، در حوزه رفتارگرایی تعریف می‌شود و اگر بدون توجه به رفتار مخاطب ابرازشدنی باشد در دسته رفتارهای انسان‌گرایانه قرار خواهد گرفت.

ج. پیشینه پژوهش: اسعدی در مقاله «تبیین معناشناختی دو مفهوم «فضل» و «کرامت» و جایگاه آن در اخلاق فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم، به‌طور گذرا از جنبه‌های مختلف به فضل الهی پرداخته است ولی به اقتضای ساختار مقاله، دلالت تربیتی مفهوم فضل به‌طور دقیق و عمیق پردازش نشده است. محمد حسنی در پژوهش «معناشناسی فضل در قرآن» به بررسی واژه فضل در قرآن کریم و شعر جاهلی می‌پردازد. او پس از ارائه مفاهیم هم‌نشین مفهوم فضل، مفاهیم فوز، نعمت، خیر، رحمت، رزق و مغفرت را به‌عنوان مفاهیم جانشین مفهوم فضل بر می‌شمارد. شاید رساله دکتری عدنان با عنوان «الفضل فی القرآن الکریم دراسة موضوعية»، جامع‌ترین پژوهش به‌لحاظ دربرگیری آیات و موضوعات بسیار درباره فضل باشد اما با توجه به رسالت این پژوهش، موضوع دلالت تربیتی فضل بررسی نشده است. پژوهش پیش‌رو با چند شاخصه متمایز می‌شود: ۱. استفاده از روش تحلیل مضمون به‌عنوان یک روش علمی تحلیل متن با توجه به مؤلفه‌های معنایی-روانشناختی فضل و نه معناشناسی صرف؛ ۲. تحلیل مضامین با توجه به بافت زبانی و غیرزبانی گزاره‌های قرآنی مرتبط؛ ۳. توجه به فضل به‌عنوان مقوله‌ای تربیتی برای دستیابی به نوع‌شناسی روانشناختی-تربیتی رفتار فاضلانه.

د. روش‌شناسی پژوهش: برای جمع‌آوری داده‌های قرآنی، از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجوی نرم‌افزاری با کلیدواژه فضل استفاده شده است. از میان تمامی آیات جست‌وجوشده، آن دسته از گزاره‌های مرتبط با زمینه تربیتی موضوع فضل جدا شده‌اند و از آنجاکه این پژوهش بر بستر داده‌های متنی (متن قرآن) سامان یافته است، روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها به‌سبب تناسب با موضوع و هدف پژوهش انتخاب شده است. تحلیل مضمون، معادل فارسی واژه انگلیسی «*analysis thematic*» یکی از روش‌های ساده و کارآمد برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی به‌شمار می‌آید و فرایندی است برای سازمان‌دهی مختصر و توصیف داده‌ها و مجموع داده‌ها (داده‌های پراکنده و متنوع) را به داده‌هایی غنی و دقیق تبدیل می‌کند.^{۲۴} واژه «*theme*» در فارسی، معادل مضمون، زمینه، مایه، مطلب، درون‌مایه، موضوع، مبحث و ملودی است. معادل فارسی مضمون، درون‌مایه است. مضمون، دیدگاه نویسنده در خصوص موضوعی است که در پی القای آن به مخاطب است. مضمون،

درمان‌جو به‌عنوان یک انسان، به‌گونه‌ای که قضاوت احساس‌ها و افکار و رفتار درمان‌جو به‌صورت خوب یا بد، آن را آلوده نمی‌سازد، پذیرش به‌معنای تأییدکردن تمام رفتارها نیست (نک: کوری، نظریه و کاربست مشاوره و روان‌درمانی، ۲۵۵).

24. Braun & Clarke, "Using thematic analysis in psychology", 79.

همان «بن اندیشه» و «درون مایه» اثر پیام یا محتواسست.^{۲۵} یک مضمون، دربرگیرنده الگویی تکراری و مشترک در مجموعه‌ای داده است که راجع به یک مفهوم سازمان‌دهنده مرکزی شکل می‌گیرد. تحلیل مضمون به توصیف جنبه‌های مختلف ایده‌ای واحد می‌پردازد که نشانگر وجود الگویی از معانی در مجموعه داده‌هاست.^{۲۶} مضامین از ترکیب کدهای مختلف در فرایند تحلیل مضمون ساخته می‌شوند. کدها مشخص‌تر و خاص‌تر از مضامین است. آن‌ها ایده‌ای واحدی را در رابطه با بخشی از داده‌ها منعکس می‌کنند و به‌صورت برجسته‌های مختصر و مفیدی به تعریف آنچه در داده‌ها (دربارۀ سؤال پژوهش) جالب به نظر می‌رسد نمایان می‌شوند.^{۲۷} رویکردهای گوناگونی برای تحلیل مضمون ارائه شده‌اند؛ در کنکاش پیش‌رو از رویکرد شبکه مضامین^{۲۸} که توسط آتراید-استرلینگ^{۲۹} (۲۰۰۱) مطرح شد، بهره برده‌ایم؛ روش کار این‌گونه است که در مرحله اول پس از کدگذاری داده‌ها، مضامین پایه^{۳۰} که مبین نکات برجسته داده‌هاست، استخراج می‌شوند. سپس با توجه به اشتراک مفهومی، ویژگی‌ها و ابعاد این مضامین؛ مضامین سازمان‌دهنده^{۳۱} و یکپارچه‌کننده بر مدار محوری مشترک گردآوری می‌شوند و درنهایت، بر مبنای مضامین سازمان‌دهنده، مضمون کلان و فراگیر^{۳۲} را می‌توان به دست آورد.^{۳۳} در گام نخست، آیات مربوطه کدگذاری شده‌اند و در گام دوم، مضامین پایه براساس کدهای اولیه فهرست شده‌اند. سپس از ترکیب مضامین پایه‌ای که در یک گروه معنایی قرار داشتند، مضامین سازمان‌دهنده سامان یافته‌اند. در مرحله آخر دو مضمون فراگیر، معنای کلی منتشرشده، مجموع مضامین را روایت می‌کنند. برای سنجش روایی نتایج به‌دست‌آمده، صاحب‌نظران دو حوزه علوم رفتار و علوم دینی ما را یاری کرده‌اند و به‌منظور تقویت روایی تحلیل‌ها، به دو تفسیر المیزان و نمونه مراجعه شده است. همچنین برای دقت در برجسته‌سازی دلالت‌های تربیتی مفهوم فضل در قرآن، چند عنصر اساسی در رویکرد رفتارگرایی و انسان‌گرایی - که در قسمت مبانی نظری تبیین شدند - در فرایند تحلیل مدنظر است تا درنهایت، پس از استخراج مؤلفه‌ها و ابعاد موضوع فضل، ارزیابی دقیق‌تری نسبت به سازگاری آن با هریک از رویکردهای یادشده در روان‌شناسی صورت گیرد.

۲۵. خنیفر، مسلمی، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، ۵۱.

۲۶. شیخ‌زاده، بنی‌اسدی، تحلیل مضمون، ۲۴؛ به‌نقل از کلارک و بروان ۲۰۱۹.

۲۷. شیخ‌زاده، تحلیل مضمون، ۲۵؛ به‌نقل از کلارک و بروان ۲۰۱۹.

28. Thematic Network

29. Attride-Stirling

30. Basic Themes

31. Organizing Themes

32. Global Themes

۳۳. نک: شیخ‌زاده، بنی‌اسدی، تحلیل مضمون، ۳۲.

۲. تحلیل واژگانی موضوع «فضل»

در کتب لغت، «زیادت و فزونی» به عنوان گوهر معنایی فضل معرفی می شود.^{۳۴} از این رو، آن را ضد نقص نیز معنا کرده اند.^{۳۵} شاید نارسایی معانی یادشده، سبب شده تا مؤلفه های معنایی بیشتری برای ارائه معنای کامل تری از فضل مطرح شود. برای نمونه، گفته شده: «الفصل: الزیادة عن الاقتصاد»؛ بدین معنا که فضل درباره زیادت و بیشتر بودن از حد متوسط به کار می رود (حد کفایت و حد معمولی)،^{۳۶} یا اینکه فضل؛ یعنی عطایی که بر دهنده آن لازم و ضروری نباشد.^{۳۷} زبیدی با بیان اینکه فضل بر «آغاز احسان بدون سبب» دلالت می کند؛ اندوخته مفهومی آن را کامل تر کرده است.^{۳۸} براساس همین اندوخته مفهومی، «الإِفْصَالُ» را بخشندگی فزون تر بر میزان متعارف و مقرر تعریف کرده اند و کسی که بیش از مقدار متعارف و مورد انتظار می بخشد را «المُتَفَضِّلُ» نامیده اند.^{۳۹} همچنین با درهم آمیختن مدلول واژگانی فضل و کار بست قرآنی آن، «تفضل پروردگار» این گونه تبیین شده است: «فضل از طرف خدا عبارت است از: عطا و بخشش بسیار زیاد که بیش از حد لازم و مقرر برای تأمین زندگانی مادی و معنوی هست...»^{۴۰} از آنچه واژه پژوهان درباره معنای فضل بیان کردند می توان نکاتی را مرتبط با مباحث تربیتی دریافت کرد:

ا. تفضل، عطایی است که مابه ازایی ندارد (سبب و علت ندارد) و از حد رفتار تفضل گیرنده بیشتر است.

ب. بر تفضل کننده واجب نیست.

ج. از قبل مقرر نشده و قراردادی نیست و به تعبیری، غیر قابل پیش بینی و غیر متوقع است.

د. بر مبنای لطف و مهربانی است.

ه. پاره ای اوقات پیش دستانه است (یکی از مصادیق تفضل، احسان ابتدایی است).

۳. تحلیل مضمون موضوع «فضل»

۳.۱. استخراج مضامین پایه فضل

در گام نخست از تحلیل مضمون، «مضامین پایه» براساس کدهای اولیه استخراج می شود. از این رو،

۳۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۵۰۸/۴.

۳۵. ابن منظور، لسان العرب، ۵۲۴/۱۱؛ جوهری، صحاح اللغة، ۱۷۹۱/۵.

۳۶. راغب اصفهانی، المفردات، ۶۳۹.

۳۷. راغب اصفهانی، المفردات، ۶۳۹؛ عسکری، الفروق فی اللغة، ۱۸۸.

۳۸. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱/۳.

۳۹. مصطفوی، التحقیق، ۱۰۶/۹.

۴۰. مصطفوی، التحقیق، ۱۰۶/۹.

پس از گزینش تعداد بسیاری از شناسه‌های قرآنی مرتبط با موضوع فضل، مضامین پایه براساس کدگذاری اولیه در شش عنوان دسته‌بندی شده‌اند و در کنار آن به بافت زبانی و غیرزبانی متن و تفضل‌گیرنده اشاره شده است.

۳. ۱. ۱. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی «عطای فراتر از استحقاق»

چنانچه گذشت، مواجهه مربی در رویکرد رفتارگرایان مقید به رفتار متری است و در مقابل عمل متری، همیشه مابه‌ازایی مثبت یا منفی وجود دارد، اما در رویکرد انسان‌گرایان، مواجهه یک مربی در گرو رفتار مخاطب نیست و تلاش بر این است که به انسان، بماهوانسان توجه شود. ازاین‌رو، مواجهه براساس فضل با ملاک موازنه یا عدم موازنه با عمل، ارزیابی و کدهای اولیه و مضامین پایه استخراج شد.

جدول شماره ۲. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای فراتر از استحقاق

متن مورد تحلیل	دریافت‌کننده فضل	بافت زبانی و غیرزبانی	مضامین پایه	کدهای اولیه
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَكْفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (نساء: ۱۷۳) ^{۴۱}	مؤمنان و صالحانی که متواضعانه و عاری از تکبر، بنده خدا بودند.	- نهی از تکبر در بندگی خدا - نفی تکبر حضرت مسیح در بندگی خدا و نفی الوهیت ایشان - در جواب طایفه‌ای از مسیحیان نجران که به پیامبر اسلام (ص) گفتند: چرا بر مسیح خرده می‌گیری و او را	- جداانگاری «فضل» و «اجر» (پاداش) - فزون‌بخشی بدون موازنه با عمل	- تعبیر «يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» از فراتر بودن «فضل» از استحقاق حکایت می‌کند. - موازنه اجر و پاداش با عمل - توجه‌دادن به دو نوع مواجهه عادلانه و فاضلانه - تعبیر «فَيُوَفِّيهِمْ» ^{۴۲} باتوجه به معنای

۴۱. در آیات دیگری نیز، از این ساختار زبانی، برای بیان تمایز بین «اجر» و «فضل» استفاده شده است؛ بدین گونه که با واژه فضل، بر «فزون‌بخشی فراتر از استحقاق» تأکید شده است: نور: ۳۸؛ فاطر: ۳۰؛ شوری: ۲۶.

۴۲. حرف لام در واژگان لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ... (نور: ۳۸)، لِيُوَفِّيَهُمْ... فاطر: (۳۰) دلالت صریح‌تری بر مورد انتظار بودن اجر دارد. گویا برای دریافت اجر و پاداش برنامه‌ریزی کرده‌اند.

		بنده خدا می خوانی.		«وفی» به دو مطلب اشاره دارد: ۱. وجود قرار و تعهدی طرفینی؛ ۲. عاملان، انتظار دریافت دارند؛ یعنی حداقل استحقاق ظاهری برای دریافت دارند.
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (روم: ۴۵).	مؤمنان و صالحان	عبرت آموزی از گذشتگان و توصیف دودستگی انسان ها در قیامت براساس معیار کفر و ایمان اختیاری	- فزون بخشی بدون موازنه با عمل - فزون بخشی بر مبنای محبت	پاداش عمل صالح نیز از فضل است، نه به سبب استحقاق و نه از روی عدل. ^{۴۳}
الَّذِينَ آمَنُوا... فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مِنْهَا مَشَاوٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (شوری: ۲۲).	مؤمنان صالح	- مقایسه بین نتیجه رفتار ظالمان و صالحان است. - تبیین مواجهه بدون اجر و مزد پیامبر (ص)	عطای بی کران و متناسب با خواست صالحان	- «روضات الجنات» عطای بر مبنای عدل و اجر است. - «لَهُمْ مَا يَشَاوُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» عطای بر مبنای فضل است.
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي	تقوایستگان	- توصیف قیامت	عطای فراتر از	- جداانگاری بین

۴۳. اینکه جزا دادن به صالحان، از فضل و لطف بسیار خداوند دانسته می شود نشانه این است که گویا در رابطه تربیتی خداوند با بندگان بر مبنای «محرک- پاسخی عمل» نمی شود؛ یعنی «جزا-عمل» اصل نیست، بلکه محور این رابطه، تفضل و لطف بسیار است؛ یعنی آنچه شما جزا و پاداش عادلانه تلقی می کنید، در نگرش تربیت الهی جزء لطف و فضل خداوند نیست.

مَقَامٍ أَمِينٍ... فَضْلاً مِنْ رَبِّكَ (دخان: ۵۷)	- تبیین اینکه تنها حامی در روز قیامت خداوند مهربان است.	عمل	نعمت وعده داده شده و آنچه قابل انتظار و تصور نیست. - عطا‌های هفت گانه، همه فراتر از عمل و خواست متقین است.
الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ... (فاطر: ۳۵)	پیشگامان در نیکی‌ها بیان اوصاف بهشت که پاداش پیشگامان در خیرات است.	فزون بخشی از سر لطف	عبارت «مِنْ فَضْلِهِ» تأکید بر این است که ریشه اصلی فزون بخشی خداوند، فضل اوست، نه استحقاق بندگان.
...أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ (بقره: ۲۳۷)	شریک زندگی - بیان حکم حقوقی و اخلاقی مهریه زنان مطلقه - کدورت و اختلاف بین زن و مرد	- جداانگاری فضل و حق - عفو و گذشت، تجلی فضل	- اشاره به جنبه عاطفی و اخلاقی مسئله در مقابل جنبه حقوقی آن. - دریافت مهریه، حق زن است. - بخشش از جانب زن، تفضل او به شمار می‌رود. - تفضل، نشان از مهربانی و عطوفت دارد.

				- دعوت به تفضل و مهربانی در عین کدورت که دعوت به نوعی تغافل است.
فَاتَقَلَّبُوا مِنَّمَا كُنْتُمْ تَصِفُونَ أَلَا لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران: ۱۷۴)	جنگجویان جنگ احد پس از بازگشت	پیروزی بدون درگیری مسلمانان در غزوه حمراء الاسد پس از غزوه احد	حمایت بی دریغ بر پایه لطف، نه بر پایه استحقاق	- نکره بودن فضل بر بی کرانگی فضل دلالت می کند. - پیروزی بدون درگیری که قابل انتظار نبود. - جداانگاری نعمت و فضل
وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَاُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدُقِيِّينَ... نساء: ۶۹؛ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ... (نساء: ۷۰).	پیروان خدا و رسول خدا (ص)	در جواب یکی از صحابه پیامبر (ص) (ثوبان) که از شدت علاقه به پیامبر (ص) دغدغه دوری از ایشان را در قیامت داشت.	جداانگاری «فضل» و «نعمت»	- عطای فرصت هم نشینی با انبیا و مردان راستین و... فراتر از انتظار و استحقاق - استحقاق انبیا و مردان راستین نسبت به جایگاه اخروی شان
وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي... ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا	حضرت یوسف (ص) و عموم انسان ها	تبیین مواهب الهی به حضرت یوسف و همه انسان ها	عطای کریمانه و بی منت	تفضل قبل از عمل و ناسپاسی اکثریت

				وَعَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (یوسف: ۳۸)
- تفصل پیش از عمل - تفصل برای سنجش قدرانی بنده - ارتباط تفصل و بی نیازی و بزرگواری - تأکید بر غنی بودن و سخاوت بزرگوارانه خدا در مقابل کفران نعمت	عطای کریمانه و هدفمند	روایت قدرت‌نمایی حضرت سلیمان در مقابل ملکه سبا و درخواست انتقال تخت او	از نزدیکان سلیمان (آصف بن برخیا)	قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ ... قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيُبْلُوَنِي ... إِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل: ۴۰).
- گمراهی و ضرر، در نبود تفصل - کتاب و حکمت و عصمت، تفضلات الهی به پیامبرند.	حمایت دلسوزانه	درباره گروهی که تلاش می‌کردند تا پیامبر (ص) را راضی کنند تا از «خائن» دفاع کند.	پیامبر (ص)	- وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ لَهَمَّوْا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ

عَظِيمًا (نساء: ۴۴)	پیامبر (ص)	تأکید بر انحصار علم در نزد خدا	حمایت قدرتمند و اطمینان بخش و اتکاشدنی	- عطای وحی از مصادیق فضل و رحمت. - نیروی فضل خدا از عدل او قوی تر است. - فضل از رحمانیت است، نه از عدالت. - مهربانی در عین قدرت
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ... وَالَّذِينَ مَعَهُ... يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۲۹).	یاران راستین محمد (ص)	بیان اوصاف یاران محمد (ص)	- آگاهی مؤمنان از فضل خدا - گذشت و مهربانی، نمود بیرونی فضل است.	- «تعبیر به «فضل» نشان می دهد که آن ها به تقصیر خود معترف اند و اعمال خود را کمتر از آن می دانند که پاداش الهی برای آن بطلبند.» ^{۴۵}
فَاتَقَلَّبُوا مِن نِّعْمَةِ اللَّهِ وَفَضَّلَ	جنگجویان احد پس از بازگشت	پیروزی بدون درگیری مسلمانان	فضل بی کرانه و بی دریغ	- پیروزی بدون درگیری که قابل

۴۴. مشابه این ساختار در آیه ۱۰ سورة نور استفاده شده است که برای رفع دغدغه سعد بن عبادة از بزرگان انصار درباره حد قذف به بیان حکم لعان می پردازد.

۴۵. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۴۴/۲۲.

... وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (آل عمران: ۱۷۴).	دوباره به صحنه نبرد	پس از غزوه احد	انتظار نبود. - جداانگاری نعمت و فضل
---	---------------------	----------------	--

گزارش تحلیل اولیه: تحلیل مضمون فضل با توجه به مؤلفه معنایی [+عطای فراتر از استحقاق] این نتایج را به دست می‌دهد: ا. بین «فضل» و «اجر» رابطه جانشینی و هم معنایی ظاهری به چشم می‌خورد، حال آنکه آیات قرآن در صدد ایجاد دو میدان معنایی متفاوت برای دو مفهوم یادشده هستند؛ چراکه در «اجر» موازنه نسبی با عمل وجود دارد، در حالی که در «فضل» این موازنه برقرار نیست؛ ب. در عطای از نوع اجر گویا یک قرارداد و پیش‌آگهی نسبت به دریافت عوض وجود دارد، ولی این قرارداد در فضل وجود ندارد؛ ج. عمل نیک نیکوکردار، مستحق دریافت اجر به شمار می‌آید و عطای فراتر از این استحقاق، براساس فضل خداوند است؛ د. رابطه هم نشینی بین تفضل و ربوبیت، معنادار است؛ یعنی توصیف خداوند با وصف «رب» در کنار «فضل»، بر جنبه تربیتی فضل و رحمت تأکید می‌کند.

«فضل» عطای فراتر از استحقاق در نگرش مفسران: از آنچه در تحلیل واژگانی و تحلیل مضمون شناسه‌های قرآنی یاد شد، این نکته مهم حاصل می‌شود که تفاوت معنایی آشکاری بین فضل و واژگان جانشین آن وجود دارد که مدنظر مفسران نیز قرار گرفته است. طبرسی راجع به تفاوت «نِعْمَةٌ وَ فَضْلٌ» در آیه «فَاتَّقَلَّبُوا نِيعْمَةً مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلًا...»^{۴۶} یادآور می‌شود که «نِعْمَةٌ»، بر عطای در مقابل فعل و طاعت دلالت دارد و «فَضْلٌ»، به عطای فراتر از طاعت و فعل گفته می‌شود.^{۴۷} علامه طباطبایی ضمن توجیه استفاده از ماده «جزی» در آیه ۴۵ سوره روم، بر عدم موازنه بین عطا و عمل و فراتر از استحقاق بودن فضل و تفاوت آن با جزا تأکید می‌کند.^{۴۸}

۳. ۱. ۲. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه عطای بدون استحقاق

جدول شماره ۳. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای بدون استحقاق دریافت‌کننده و عطای قبل از عمل

۴۶. آل عمران: ۱۷۴.

۴۷. طبرسی، مجمع البیان، ۸۹۹/۲؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷۷/۳.

۴۸. طباطبایی، المیزان، ۱۹۸/۱۶.

متن مورد تحلیل	دریافت کننده فضل	بافت زبانی و غیر زبانی	مضامین پایه	کدهای اولیه
ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (بقره: ۶۴).	یهودیان پیمان شکن	در باره پیمان شکنی بنی اسرائیل	- تغافل - حمایت در نبود عمل	- تفضل به غیر مستحقان - حمایت از یهودیان پیمان شکن
وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: ۲۵۱).	همه جهانیان	- داستان دفع شر جالت توسط طالبوت و حضرت داوود	- حمایت دلسوزانه در سختی - عطای قبل از عمل	- گسترش فساد در نبود تفضل (عدم توانایی انسان در دفع فساد) - خداوند نسبت به جهانیان لطف و مرحمت دارد که مانع همگانی شدن فساد می شود.
وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ زَوْفٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۰) نک: نور: ۱۴ و ۲۱).	مسلمانانی که بدون علم تهمت به همسر پیامبر (ص) را شایع ساختند.	توبیخ کسانی که اتهام دروغ (افک) را شایع ساختند.	- حمایت بزرگوارانه و مهربانانه از خطاکاران - تغافل - بخشش مهربانانه مستحقان عذاب	- فضل، رأفت و مهربانی خداوند، موجب شتاب نکردن او در عذاب اشاعه دهندگان فحشا
-... وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ	عموم مسلمانان	توبیخ منافقانی که اخبار مسلمانان را	- حمایت مهربانانه	- تبعیت افراد بسیار از شیطان در نبود تفضل

۴۹. آیه ۱۰ سوره نور «تفضل» خداوند را به مسلمانان یادآور می شود. خداوند با نزول آیات مربوط به حکم لعان و رفع دغدغه مسلمانانی همچون سعد بن عباد، آنان را حمایت می کند.

وَرَحْمَتُهُ لَا تَبْغُثُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء: ۸۳).	بدون تحقیق همه جا منتشر می کردند.	- حمایت خیرخواهانه	
وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ (آل عمران: ۱۸۰).	سرنوشت بخیلان را در رستاخیز توضیح می دهد.	- فزون بخشی به بخل ورزان - عطای بدون استحقاق	- تفصل به بخل ورزان
...إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ... وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (توبه: ۲۸).	ترس برخی مسلمانان از بی رونق شدن تجارت به سبب حذف مشرکان از مکه	قابل اتکا بودن خدا در سختی (مواجهه) حمایتگرانه و اطمینان بخش	- اطمینان خاطر دادن نسبت به تأمین رزق - تفصل به دلخواه خداوند است. - عدم وجوب تفصل بر خداوند
وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ	مشرکان صدر اسلام به خداوند افترا می بستند و حلال ها را تحریم کرده بودند.	- مهلت دادن به خطاکاران - عطای بدون مقابل	- تفصل به قدرشناسان - عدم فوریت در کیفر افترازنندگان - اشاره به علم مطلق خدا در آیه بعد تأیید مدعاست. ^{۵۰}

۵۰. یعنی خداوند با اینکه علم به ناشکری بسیاری از مردم دارد فضلش را دریغ نفرموده است.

- جهان شمولی فضل				أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (یونس: ۶۰)
- منافقان به حد کفر رسیده، استحقاق فضل را نداشتند. - خداوند، یگانه منبع و منشأ فیض، رحمت و غنا؛ شاهد آن، ارجاع ضمیر «من فضله» تنها به خدا - بازبودن راه توبه و بازگشت حتی برای منافقان توطئه گر - پذیرش توبه مرتدان	- عطای بدون استحقاق - خیرخواهی خدا - منطق بخشش در مقابل خیانت و دروغ و کفر	درباره منافقان صدر اسلام که از امکانات برخوردار بودند ولی خیانت کردند.	منافقان صدر اسلام که کلمات کفرآمیز را اظهار کرده بودند.	...وَهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ إِلَّا أَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ... (توبه: ۷۴)
- عطای قبل از عمل، نمود رحمت و تفضل است. - لعلکم تشکرون بر بی منت بودن و بی توقع بودن عطاکننده دلالت دارد. - مِنْ رَحْمَتِهِ وَ مِنْ فَضْلِهِ، علت اصلی فرون بخشی را منتقل می کنند.	- عطای به انسان بما هو انسان - عطای غیر واجب قبل از عمل - عطای از سر لطف، نه عدل	درباره عظمت آیات الهی و لطف پروردگار در حق انسان	همه انسان ها	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ يُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَتَجَرَّيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِيَتَبَغَّوْا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (روم: ۴۶) آیات مشابه: (قصص: ۷۳) روم: ۲۳ و ۴۶؛ فاطر: ۱۲؛

جائیه: ۱۲)				
...وَلَا يَكِنَّ اللَّهَ حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ... وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ... فَضْلاً مِّنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (حجرات: ۷ و ۸).	مؤمنان	تبیین مواهب بزرگ الهی به مؤمنان	- تفضل قبل از عمل - قرابت معنایی «فضل» با «نعمت»	

گزارش تحلیل اولیه: ۱. آنچه در گزارش مضامین دسته اول یاد شد، در این دسته به صورت کامل تر قابل تطبیق خواهد بود؛ از آن رو که تفضل گیرندگان موضوع قبلی، نیک کرداران بودند یا صفت شایسته ای را دارا بودند ولی فزون بخشی در اینجا هیچ مابه ازایی ندارد و هیچ گونه عمل و کنش شایسته ای از طرف مخاطب ابراز نشده است؛ ۲. مخاطب این نوع مواجهه، عموم مردم و مؤمنان و بدکردارانی بودند که با وجود پیمان شکنی، نفاق، بهتان، بخل، مورد تفضل خداوند قرار گرفتند.

۳. ۱. ۳. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای ویژه و رازاندود
«رازاندودی»، مؤلفه ای دیگر از فضل است که باعث شده در نقطه مقابل مواجهه رفتارگرایانه که مبتنی بر قرارداد و پیش آگهی و پیش بینی پذیری بود، قرار بگیرد. پیش بینی پذیری - با اندکی تفاوت - در آیات مربوط به «اجر الهی» هم دیده می شود.

جدول شماره ۴: تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای ویژه و رازاندود

متن مورد تحلیل	دریافت کننده فضل	بافت زبانی و غیر زبانی	مضامین پایه	کدگذاری اولیه
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلاً كَبِيراً (احزاب: ۴۷)	مؤمنین	درباره وظایف پیامبر (ص)	- ویژه بودن بشارت - خبر از عطا قبل از عمل	- نکره آوردن «فضل» و متصف شدن به صفت «کبیراً» بر اندازه نامعلوم

دلالیت دارد.				
قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (آل عمران: ۷۳ و ۷۴).^{۵۱}	پیامبر(ص)	درباره توطئه دانشمندان یهود که نبوت را تنها بر نژاد یهود می دانستند.	- رازاندودی تفضل گیرنده - ویژه بودن عطا شده	- نبوت امری ویژه است. - دریافت کننده نبوت و کتاب، نامعلوم و غیرمنتظره است. - بی اعتنایی به انتظار یهودیان در دریافت نبوت و کتاب
وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۶۸)	انفاق دهندگان از حلال	درباره انفاق و موانع آن	فزونى روزى در عین انفاق	- فزونى روزى، عطای غیرمنتظره است؛ چراکه چشم ظاهر بین، انتظار کاستن روزی بعد از انفاق را می کشد.
فَرَحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ... (آل عمران: ۱۷۰) نک: آل عمران: ۱۷۱.	شهیدان	بطلان اندیشه کسانی که برای شهدا اظهار تأسف می کردند.	بی کرانگی و غیرمنتظره بودن نعمت ها	- خوشحالی فراوان از دیدن عطاهاى غیرقابل انتظار پروردگار و بشارت به دیگران

۵۱. آیات ۹۰ و ۱۰۵ سوره بقره و ۷۳ سوره آل عمران نیز به مواهبی چون عطای نبوت، کتاب و حکمت به پیامبر(ص) و عطای کتاب آسمانی به مسلمانان اشاره دارد، درحالی که عطاگیرنده برای اهل کتاب و به خصوص یهودیان مبهم و غیرقابل انتظار بوده است.

فَاتَّقَلَّبُوا فِي نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ... وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (آل عمران: ۱۷۴).	- جنگجویان مسلمان جنگ احد پس از توبه	درباره جنگجویانی که پس از جنگ احد آماده نبرد مجدد شدند.	غیرمنتظره بودن عطاشده	- نکره بودن فضل - پیروزی بدون درگیری که قابل انتظار نبود.
وَلَيْنُ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ (نساء: ۷۳).	مسلمان پیروز در جنگ	درباره افراد دو چهره‌ای که نسبت به دستاورد های مؤمنان حسرت نمایشی دارند.	ناگهانی بودن تفضل	- اطمینان خاطر دادن به پیامبر (ص) نسبت به حمایت کریمانه - اصابت فضل بر ناگهانی بودن آن دلالت دارد. - (مصیبت، بلایی ناگهانی است) - بادآورده بودن، از مؤلفه های معنایی غنیمت است.
...فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ... يونس: ۱۰۷	رسول خدا (ص)	در ادامه، نفی شرک بر جنبه اثبات توحید تأکید دارد.	- عطای ناگهانی و بدون قرارداد قبلی - اعطای حمایت و آرامش در سختی ها	- خیرات و نعمت های خداوند بر پایه تفضل اوست، نه براساس و استحقاق انسان - ارتباط لفظ «يُصِيبُ» با معنای

ناگهانی بودن «فصل»				
...إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. النور: ۳۲	تهیدستان که اقدام به ازدواج کنند.	درباره تهیدستانی که به سبب فقر ازدواج نمی کنند.	- عطای غیر منتظره -غنی شدن پیش بینی نشده	- وعده رفع غیر منتظره نیازهای مادی برای کسانی که به سبب فقر از ازدواج سر باز می زدند.
وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... النور: ۳۳	عفت پیشگان	نفی جواز فساد جنسی به سبب عدم امکان ازدواج	عطای غیر منتظره برای عفت پیشگان	عطای غیر منتظره برای عفت پیشگان
قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي. النمل: ۴۰	از ملازمان سلیمان	داستان احضار تحت ملکه سبا	خارق العادگی و ویژه بودن عطاشده	تأکید بر تفضل این قدرت، به غیر متعارف و خارق العادگی آن اشاره دارد.
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِثًا فَضْلًا يَا حِجَالُ أُوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ. سبا: ۱۰ نک: النمل: ۱۵ و یوسف: ۳۸	حضرت داود (عبدمنیب)	درباره مواهب بسیاری که به حضرت داود عطا شده	خارق العادگی و ویژه بودن عطاشده	- واژه «مِثًا» و قالب نکره «فضلاً» بیانگر ویژه بودن عطا شده است. - هم آوایی کوه ها و پرندگان و نرم شدن آهن،

عطای غیرمتوقعانه است.				
- تفضل به دلخواه خداوند است. - بخشندگی خدا از روی فضل است.	رازاندودی عطاگیرنده	در پاسخ به افرادی که از کمرونقی تجارت در صورت نبود مشرکان بیمناک بودند.	مسلمانان	وَإِنْ خِفْتُمْ عِيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيَكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. التوبه: ۲۸
- جواز تجارت در ایام حج، تفضلی غیرمنتظره برای اعراب	- غیرمنتظره بودن عطاشده	درباره ابطال تصور حرمت تجارت در حج	مسلمانان	لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحُ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ. البقره: ۱۹۸
- عطاهای هفت گانه، فراتر از عمل و خواست متقین است.	- غیرمنتظره بودن عطاشده	درباره مواهب بهشتیان	متقین	فَضْلاً مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. الدخان: ۵۷

گزارش تحلیل اولیه: رازاندودی و ابهام، مؤلفه معنایی دیگر فضل در قرآن است. ابهام فضل گاه ریشه در خارق العادگی «عطاشده» دارد و گاه به سبب سترگی یا نامعلوم بودن متعلق تفضل یا تفضل گیرنده است. پاداش بی کران بهشتیان، قدرت ویژه مؤمن همراه سلیمان، دانش داوود به زبان پرندگان، عطای وحی و قرآن به پیامبر (ص)، قدرت تعبیر خواب به یوسف (ع) و... همگی اموری هستند که از حد عادی و معمول بسیار فراترند. پاره گفتارهایی چون «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ و...» بر ابهام و غیرمتوقع بودن عطاگیرنده دلالت دارند. همچنین استفاده از قالب نکره، مانند «فضلاً، ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، علما و...»، خارق العادگی و غیرمنتظره بودن عطاشده را منتقل می کنند. استفاده از واژه فضل برای این گونه از «عطای الهی» و عدم کار بست واژه «اجر» و «جزی»، شاهدی دیگر بر جداانگاری دو حوزه تصویری «فضل الهی» و «اجر الهی» است.

رازاندودی و غیرمنتظره بودن فضل در اندیشه قرآن پژوهان: علامه طباطبائی در تفسیر آیه «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلٍ»^{۵۲}، بین کاربرد شکل نکره «فضل و نعمت» و رازاندودی عطا شده ارتباط برقرار می کند و بر این باور است که کاربرد شکل نکره سبب می شود که ذهن مخاطب نسبت به فضل و نعمت تا آنجا که امکان دارد، برود.^{۵۳} همچنین به نظر ایشان عبارت «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»^{۵۴} بر مواهبی دلالت می کند که ورای علم و خواسته انسان اند و به عبارتی، مبهم و رازاندود هستند. در تفسیر نمونه در توضیح آیه «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا»^{۵۵} به این نکته اشاره دارد که فضل خداوند، موازنه عمل و پاداش را بر هم می زند و گستره آن از آنچه در وهم و تصور می گنجد فراتر می رود.^{۵۶}

۳. ۱. ۴. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی «عطای همراه مهربانی و آمرزش»

نگاه کریمانه خداوند به بندگان خود باعث شده که برخورد او با انسان ها همراه مهربانی و رحمت باشد. این مهربانی در ذیل مفهوم فضل نیز تبیین شده است.

جدول شماره ۵: تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای همراه مهربانی و آمرزش

متن مورد تحلیل	دریافت کننده فضل	بافت زبانی و غیر زبانی	مضامین پایه	کدگذاری اولیه
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ... ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (حدید: ۲۱).	انتخاب شدگان از مؤمنان	مذمت دنیا و دعوت به مسابقه عظیم روحانی	- آمرزش - چشم پوشی (تغافل)	غفران سترگ الهی - نکره و مبهم آمدن «مغفرة» بر ابهام فضل دلالت دارد.
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ؛ فِي جَنَّاتٍ وَ عِوْنٍ... فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ... (دخان: ۵۷؛	متقین	- توصیف قیامت - تبیین اینکه تنها حامی در روز قیامت خداوند مهربان	غفران لغزش های مؤمنان	لغزش های دنیوی متقین، مورد غفران قرار می گیرد.

۵۲. آل عمران: ۱۷۱.

۵۳. طباطبائی، المیزان، ۱۶۱/۴.

۵۴. ق: ۳۵.

۵۵. احزاب: ۴۷.

۵۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۶۶/۱۷.

انفال: ۲۹).	است.		
... وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (یونس: ۱۰۷)	پیامبر (ص)	قاطعیت در برابر مشرکان بعد از تربیت و انذار و تأکید بر اختیار انسان‌ها در دین‌داری	حمایت مهربانانه و آرامش‌بخش در سختی‌ها - حمایت صادقانه
ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (بقره: ۶۴).	یهودیان پیمان‌شکن	درباره پیمان‌شکنی بنی اسرائیل نسبت به پیمانی که در عمل به تورات از آنان گرفتند.	- حمایت از خطاکاران - خیرخواهانه - گذشت و تغافل
...مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۵۲).	جنگجویان نافرمان مسلمان جنگ احد	عفو و گذشت نسبت به سرپیچی کردن جنگجویان از دستور پیامبر (ص)	حمایت بی‌دریغ - هم‌نشینی فضل و عفو - حمایت بی‌دریغ از مؤمنان
يُؤْتِكُمْ كُفُلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	- مؤمنان پرهیزگار - هر که خدا بخواند.	دلیل آیه قبل - پاسخ به اهل کتابی است که بر این باور بودند که مسلمانان	- حمایت همراه با مهربانی و چشم‌پوشی

- حمایت از مسلمانان در مقابل کنایه‌های یهود		تفضلی بر آن‌ها ندارند.		(حدید: ۲۸). - لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (حدید: ۲۹).
- شتاب نکردن در عذاب به سبب فضل - مهربانی خداوند	- مواجهه حمایت‌گراانه با خطاکاران - تغافل - صادقانه - خیرخواهانه	توبیخ کسانی که وقتی اتهام دروغ (افک) را شنیدند، آن را تکذیب نکردند و شایع ساختند.	مسلمانانی که تهمت به همسر پیامبر (ص) را شایع ساختند.	وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْفٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۰؛ نک: نور: ۱۴ و ۲۱).
صاحبان فضل باید اهل بخشش باشند، همان‌گونه که خداوند مهربان اهل بخشش است.	تغافل و چشم‌پوشی به سبب مهربانی، نشانه فضل است.	درباره گروهی که پس از ماجرای «افک» تصمیم گرفتند که به تهمت کمک مالی ارائه ندهند.	تهمت‌زندگان در داستان افک	وَلَا يَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ... وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا... (نور: ۲۲).
- عدم فوریت در عذاب افترازنندگان - مهلت دادن به خطاکاران	عدم موازنه بین عمل مری و رفتار متربی - خیرخواهانه	درباره مشرکانی که به خداوند افترا می‌بستند و حلال‌ها را تحریم کرده بودند.	عموم انسان‌ها	وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَقْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (یونس: ۶۰).

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: ۲۵۱)	همه جهانیان	- داستان دفع شر جالوت توسط طالوت و حضرت داوود	- مهربانی جهان شمول خدا - صادقانه	- خداوند نسبت به جهانیان لطف دارد که مانع همگانی شدن فساد می شود.
...وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ... (بقره: ۲۳۷) ^{۵۷}	فضل انسان در حق انسان	بیان حکم حقوقی و اخلاقی مهریه زنان مطلقه - کدورت و اختلاف بین زن و مرد.	این همانی فضل، عفو و احسان - تغافل - جداانگاری فضل و حق - عفو و گذشت تفضل است.	- اشاره به جنبه عاطفی و اخلاقی مسئله در مقابل جنبه حقوقی آن. - دریافت مهریه حق زن است. - بخشش و گذشت از جانب زن، از فضل او به حساب می آید. - برخورد از روی عفو و احسان، تفضل مرد به زن به حساب می آید. - نمود فضل در قالب مهربانی - دعوت به تفضل و مهربانی در عین کدورت دعوت به نوعی تغافل است.

۵۷. «لحن مجموعه آیه بر اصل اساسی «معروف» و «احسان» در این مسائل تأکید می کند که حتی طلاق و جدایی، آمیخته با نزاع و کشمکش و تحریک روح انتقام جویی نباشد، بلکه براساس بزرگواری و احسان و عفو و گذشت قرار گیرد.» مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲/ ۲۰۴.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نساء: ۱۷۵).	باورمندان به خداوند و چنگ‌زندگان به قرآن	در ادامه، بیان انحرافات اهل کتاب در این آیات راه نجات مشخص شده	قربانیت معنایی «فضل» و «رحمت» - مواجهه مهربانانه	هم‌آیندی «فضل» و «رحمت» که مؤلفه اصلی معنای آن، مهربانی است.
---	--	--	--	--

گزارش تحلیل اولیه: در آیات قرآن، با برجسته‌سازی، مفهوم فضل و بی‌کرانگی لطف و مهربانی خداوند به رخ کشیده می‌شود تا مخاطب آگاه باشد که این نوع مواجهه پروردگار با بندگان، مواجهه براساس تفضل است، نه بر مبنای عدالت یا استحقاق بندگان. این نگرش کریمانه به دو گونه ابراز می‌شود:

۱. در حمایتگری مادی و معنوی و توجه مثبت به بندگان پرهیزگار نمود پیدا می‌کند؛ ۲. در آرزو و چشم‌پوشی از خطای خطاکاران پدیدار می‌شود (هم‌نشینی پرتکرار «فضل و رحمت» یا «فضل و رحیم»، مؤید این مدعاست). تأکید بر مهربانی فراوان و نادیده‌گرفتن رفتار خطا در این نوع مواجهه، آن را با مقوله «توجه مثبت بدون شرط» سازگار نشان می‌دهد.

«فضل»، مواجهه‌ای از روی محبت در نگرش مفسران: در نگرش علامه طباطبائی، فضل الهی از محبت او نسبت به بندگان سرچشمه می‌گیرد. ایشان این نکته را در تفسیر آیه «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» یادآور می‌شود و دیدگاه خود را به عبارت پایانی آیه که بر نبود رابطه دوستانه بین خدا و کافران تصریح دارد، مستند می‌کند.^{۵۸} این نکته در هم‌آیی «فضل» و «رحمت» در آیات متعدد نیز نمایان است؛ چراکه «رحمت» در اصل عبارت است از: میل درونی به ایصال خیر به مرحوم که ریشه در محبتی دارد که از نوعی مبدأ مشترک یا نوعی قرب پیشین نشئت می‌گیرد.^{۵۹} به‌دیگرسخن، قرین شدن «فضل» و «رحمت»، بر قربانیت معنایی فضل و رحمت دلالت دارد و این قربانیت معنایی به این مفهوم تربیتی اشاره می‌کند که «تفضل» مواجهه و ارتباطی آمیخته با مهربانی است.

۳. ۱. ۵. تبدیل متن به مضامین پایه با محوریت مؤلفه معنایی عطای فراگیر

از ویژگی‌های محوری فضل، گسترده دامن‌بودن آن است. گزاره‌های گوناگونی در قرآن کریم این ویژگی را گزارش می‌کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان به چند گزاره صریح‌تر؛ مانند إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ،^{۶۰} ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ،^{۶۱} ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَ عَلَى النَّاسِ،^{۶۲} ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ،^{۶۳} هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ^{۶۴}

۵۸. طباطبائی، المیزان، ۱۶/۱۹۸.

۵۹. رضایی کهنمویی، «بارکاتوی معنای ماده رحمت؛ به‌ویژه در مقام انتساب به خدای سبحان»، ۱۴۱.

۶۰. بقره: ۲۴۳.

۶۱. بقره: ۲۵۱.

اشاره کرد. جهان‌شمولی فضل خداوند، از این گزاره‌ها استخراج‌شدنی است. جهان‌شمولی فضل بر این نکته تربیتی دلالت می‌کند که در مواجهه از نوع تفضل عام، مخاطب فارغ از رفتار و به‌صرف انسان‌بودنش مدّ نظر خداوند قرار می‌گیرد که عدم‌موازنه بین فضل و عملِ متری را تأیید می‌کند.

۲.۳. استخراج مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر

در این مرحله از تحلیل مضمون، «مضامین پایه»، زیر چتر مضامین انتزاعی‌تر سازمان می‌یابند تا از این رهگذر به مضامین فراگیر رهنمون شویم. در جدول زیر، دو مضمون فراگیر که براساس دو نگاه عمده به فضل استخراج شده‌اند، مجموعه مضامین «سازمان‌دهنده» و «پایه» را پوشش می‌دهند. از یک زاویه، «فضل» از آن‌رو که گونه‌ای از عطا و پاداش است، این دسته از مضامین را در بر می‌گیرد: ۱. رفتار فاضلانه، کنشی کریمانه است (واکنش نیست) که ریشه در لطف و کرامت خداوند دارد و بدون توجه به استحقاق بندگان ابراز می‌شود؛ یعنی رفتار فاضلانه در تحققش به مابه‌ازایی از طرف تفضل‌گیرنده وابسته نیست؛ ۲. «گسترده‌دامن» و «جهان‌شمول» است که تأیید می‌کند که انسان بماهوانسان، مخاطب فضل قرار می‌گیرد؛ ۳. «رازان‌دودی» و «ویژه‌بودن» فضل، شاخصه دیگری است که غیرمنتظره‌بودن و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن عطای از روی فضل را حکایت می‌کند. از زاویه‌ای دیگر، «فضل» نوعی مواجهه و ارتباط عاطفی به شمار می‌رود که بر مبنای این نگرش، مضامین سازمان‌دهنده مواجهه کریمانه، مواجهه حمایت‌گرانه، مواجهه اصیل و مواجهه واقعی، با مضمون فراگیر «مواجهه امن» روایت می‌شود. تقسیم مضامین یادشده در ذیل دو مضمون فراگیر، به معنای استقلال آن‌ها نیست؛ بلکه این دو دسته مضامین در ارتباطی متقابل قرار دارند.

جدول شماره ۷: مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده، پایه مرتبط با اصل «فضل»

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
		بدون قرارداد قبلی
	عطای بدون موازنه - بدون مقابل بدون مابه‌ازا	پیش از عمل (پیش‌دستانه) - احسان ابتدایی
		فراتر از استحقاق
		بدون استحقاق

۶۲. یوسف: ۳۸.

۶۳. جمعه: ۴.

۶۴. فاطر: ۳۲.

عطای عام (جهان شمول) و عطای خاص	عطای گسترده دامن-فراگیر	فزون بخشی مادی و معنوی
عطای مستمر		
غیرقابل پیش بینی (نامعلوم بودن دریافت کننده، زمان، مقدار، کیفیت)	عطای رازاندود	عطای ویژه
اعجازگونه-خارق العاده		
بی کران (بسیار، فراوان)		
اعجاب آور (رشک برانگیز)		
غیرمتوقع		
در انحصار خداوند		مواجهه امن-ارتباط مؤثر
مهربانانه و همدلانه		
چشم پوشی (تغافل)، عفو	برخورد کریمانه (بزرگواری)	
زمینه ساز بازگشت (توبه)		
امیدبخش		
اطمینان بخش	حمایتگرانه	
حمایتگرانه		
صادقانه		
خیر خواهانه، نه منفعت طلبانه	اصیل و واقعی	
بی منت		



شبکه مضامین مرتبط با موضوع «فضل» در قرآن

تحلیل دلالت تربیتی: در آغازین نوشتار، به پاره‌ای از مفروضات بنیادین در رویکرد روان‌شناختی برای ارزیابی دقیق‌تر فضل در قامت کنشی-تربیتی اشاره شد. رهیافت رفتارگرا که انسان را موجودی منفعل می‌داند، بر انواع شرطی‌سازی‌های در مواجهه با تربیتی یا درمان‌جو تأکید داشت. در این رویکرد، رفتار مری براساس قرارداد و در موازنه با عملکرد مخاطب تنظیم می‌شود؛ از این‌روست که مخاطب مدام خود را در وضعیت انتظار پاداش یا تنبیه و کنترل‌های بیرونی می‌بیند. در آن‌سو، انسان‌گراها که به اختیار، خوداتکایی و درون‌کنشی بودن انسان باور داشتند و خودشکوفایی او را با پذیرش مثبت بدون شرط در ارتباط می‌دیدند، به ستیزه با برخورد ماشینی و حیوانی با انسان برخاستند. برای نمونه، «راجرز» بر این باور بود که «مواجهه مشروط»، تربیتی را در «وضعیت ارزش» (conditions of worth) قرار می‌دهد و این سبب می‌شود که او تجربیاتش را نه براساس میزان اثرگذاری آن بر خودشکوفایی، بلکه بر این مبنا که آیا توجه مثبت دیگران را به همراه دارند، ارزیابی کند. این فرایند به ناهمخوانی بین خودپنداره و دنیای تجربی‌اش منجر خواهد شد^{۶۵} و در نتیجه، زمینه‌ساز بروز اختلالات روانی خواهد بود.^{۶۶} او بر این باور بود که همدلی، نداشتن قید و شرط در پذیرش و احترام به مخاطب (فرزند، مربی و درمان‌جو) به ایجاد فضای عاری از

۶۵. نک: شولتز، نظریه‌های شخصیت، ۴۳۴.

۶۶. گنجی، روانشناسی بالینی، ۵۴۳.

تهدید و مملو از گرمی و صمیمیت منجر می‌شود و این فضا، احساس امنیت و امید برای توجه کردن به خود واقعی و حرکت برای شکوفایی نیروهای درونی را به دنبال خواهد داشت.^{۶۷}

حال باتوجه به مفروضات روان‌شناختی پژوهش و با تکیه بر شبکه مضامین فضل، می‌توان با دو نگرش ایجابی و سلبی، فهم بهتری از دلالت تربیتی فضل به دست داد. از زاویه نگرش ایجابی، باتوجه به اینکه کنش فاضلانه با شاخصه‌های مواجهه‌ای امن، حمایت‌گرانه، خالصانه، خیرخواهانه، اطمینان‌بخش، امیدآفرین و فارغ از موازنه با عمل و قرارداد و... ارزیابی شد، با رویکرد انسان‌گرایی سازگاری بیشتری دارد. هنگامی که رابطه با مربی، فراتر از اعمال و رفتار و بر مبنای خیرخواهی و بزرگواری شکل گیرد، صمیمت در ارتباط و احساس امنیت را در پی خواهد داشت؛ این همان است که در نگرش انسان‌گرا بدان تأکید می‌شود. در عبارت «أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي...»^{۶۸} به صریح‌ترین وجه، به مطلب یادشده توجه شده است؛^{۶۹} چراکه ارزیابی نشدن انسان براساس عمل و خطایش، به فضل پروردگار مستند شده است. از جمله شاخصه‌های دیگر فضل، مهربانی عجین شده با آن بود که از همنشینی فضل با مفهوم رحمت در آیات قرآن به دست می‌آید؛ این مهربانی، پیام دلسوزی و حمایتگری را به مخاطب می‌دهد و گرمی در ارتباط را به دنبال خواهد داشت.

گرمی رابطه، از اهداف مهم انسان‌گراها بود که در کنار پذیرش و خلوص مربی و درمانگر، به مربی و درمان‌جو این اجازه را می‌دهد تا در فضایی امن و عاری از شرم و ترس ناشی از پذیرش مشروط، با تحریف اندک، به‌طور فزاینده‌ای جنبه‌های درونی خود را کشف کند.^{۷۰}

از دیگر سو، در نگرش سلبی، «فضل» عاری از شاخصه‌هایی ارزیابی می‌شود که در رهیافت رفتارگرایانه پررنگ هستند. بی‌تردید، شرطی‌سازی، بنیادی‌ترین شاخصه رفتارگرایی است که محتوای آن در این عبارات نمایان می‌شود:^{۷۱} ۱. «نخست بهره‌مند شو و بعد هزینه آن را بپرداز»؛^{۷۲} ۲. «اول بپرداز، سپس بهره‌مند شو».^{۷۳}

انسان‌گرایان باتوجه به اعتمادی که به نیروهای درونی انسان دارند این نوع مواجهه ماشینی و مبتنی بر شرطی‌سازی را بر نمی‌تابند. دغدغه آن‌ها این است که مربی در زندان شرایط ارزش، محبوس نشود و به

۶۷. فیرس، تیموتی، روانشناسی بالینی، ۴۹۴ و ۴۹۶؛ کوری، نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی، ۲۵۱.

۶۸. در ادامه این دعای شریف، همین مضمون با تغییر در فرم تکرار شده است (طوسی، مصباح‌المتجهد، ۵۸۹).

۶۹. طوسی، مصباح‌المتجهد، ۵۸۸.

۷۰. کوری، نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی، ۲۵۱.

۷۱. بونگه، آردیلا، فلسفه روانشناسی و نقد آن، ۳۰۲.

72. enjoy now, pay later.

73. pay now, enjoy later.

شرط‌ها و کنترل‌های بیرونی وابسته نشود.

تحلیل مضمون نشان داد که الگوی مبتنی بر فضل، بدون توجه به این بده‌بستان‌ها و شرطی‌سازی‌ها عمل می‌کند. تفضل در سایه نگرش مثبت اسلام به انسان و بزرگداشت او به همراه دیگر الگوهای رفتاری اسلامی، تلاشی برای توجه مثبت بدون شرط به انسان بماهوانسان است. مواجهه بر پایه تفضل از آن رو که بدون موازنه با عمل مخاطب، رازاندود، غیرمنتظره، حمایت‌گرانه و خیرخواهانه ارزیابی می‌شود، در مقابل الگوهای مبتنی بر شرطی‌سازی جای دارد.

الگوی فضل که کنشی پیش‌دستانه و احسانی ابتدایی است نیز بر پیش‌آگاهی و قرارداد قبلی سامان نمی‌یابد؛ حال آنکه، قرارداد و شرط و شروط قبلی، شاخصه رهیافت رفتارگرا به شمار می‌آید. مقوله انتظار، یکی دیگر از شاخصه‌های رفتارگرایی بود که به سبب قراردادی بودن شیوه‌های رفتارگرایی و وجود پیش‌آگاهی در متریب ایجاد می‌شود، ولی در فضل به سبب غافل‌گیرانه و غیرقراردادی بودن، چنین مقوله‌ای متصور نیست.

باتوجه به شاخصه‌های ایجابی و سلبی یادشده، اثرگذاری تربیتی الگوی رفتاری فضل بدین‌سان تبیین‌شدنی است: فردی که در فضایی آکنده از توجهات مثبت بدون شرط زیست می‌کند و شخصیت‌های مهم زندگی او به کرامت انسانی‌اش توجه دارند، احساس ارزشمندی عطا شده بیرونی را درونی‌سازی می‌کند. احساس ارزشمندی عمیق و پایدار درونی، فرد را یاری می‌کند تا حتی در شرایط عدم دریافت احترام و ارزش بیرونی، اسیر شرایط محیطی نشود - حتی اگر در جهت تأیید و پذیرش او نباشند - و با اتکا به نیروهای درونی در مسیر رشد و خودشکوفایی گام بردارد.

افزون بر نکات یادشده، به نظر می‌رسد توجه به ارتباطات معنایی فضل نیز می‌تواند به فهم بهتر آن در قامت مقوله‌ای تربیتی یاری رساند. اگر میدان معنایی «عطای الهی» ترسیم شود، واژگانی؛ بسان «رحمت»، «هبة الهی» (وهاب)، «فضل»، «اجر»، «جزی» و «ثواب» را در بر خواهد گرفت. بین این واژه‌ها، رابطه اشتراک و تقابل متصور است که سبب تمایز آن‌ها از یکدیگر می‌شود.

اگر این واژه‌ها براساس ملاک موازنه یا عدم موازنه با عمل، در پیوستاری جای داده شوند؛ واژگان رحمت، هبة الهی، فضل، با مضمون مشترک در تقابل با سه واژه دیگر ارزیابی خواهند شد. بررسی واژگانی فضل و تحلیل مضمون آن نیز تقابل و تمایز آن را با «اجر» و «جزی» نشان داد. شایسته ذکر است «اجر الهی» که بر بستر عدالت پروردگار ابراز می‌شود، با استعاره تجارت تصویر می‌شود،^{۷۴} ولی «فضل» روایتگر جنبه رحمانیت مواجهه خداوند است. همنشینی «فضل» و «رحمت» و نبود همنشینی «اجر» و

۷۴. طیب حسینی و همکاران، «وجوه معنایی اجر در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی»، ۴۱.

«رحمت» در گزاره‌های قرآنی، مطلب یادشده را تأیید می‌کند. تقابل یادشده، دو الگوی متمایز از مواجهه تربیتی را نشان می‌دهد که یک‌سوی آن «اجر» و نظام ثواب با نشانگان رفتارگرایانه قرار دارد و در سوی دیگر آن «فضل و رحمت» با دلالتی متمایز از رهیافت رفتارگرایانه و همسو با نگرش انسان‌مدارانه به‌چشم می‌خورد (جدول زیر که ارزیابی میزان سازگاری موضوع فضل با اصلی انسان‌گرایانه است، همسویی آن با رهیافت انسان‌گرایی را نشان می‌دهد).

جدول شماره ۸: سنجش یک اصل انسان‌گرایانه (توجه مثبت بدون شرط) با موضوع فضل

	اصل		بدون قضا و تناظر		چشم‌پوشانه		صمیمانه		تبیّن		بدون مقابل	
	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق
توجه مثبت غیرمشروط	✓		✓		✓		✓		✓		✓	
فضل عام	✓		✓		✓	—	✓		✓		✓	
فضل خاص	✓		✓		—		✓		✓		✓	

نتیجه‌گیری

ارائه فهم دقیق و روشن‌کننده ابعاد و شاخصه‌های اصول و روش‌های تربیت اسلامی، برای گسترش و کاربرست ضرورت دارد. در همین راستا، این پژوهش برای شناسایی ابعاد و شاخصه‌های فضل در قرآن، روش «تحلیل مضمون» را دست‌مایه قرار داده و تلاش کرده تا نسبت آن را با اصول روان‌شناختی روشن

سازد. نتیجه این تحلیل، ترسیم «شبکه مضامین» مرتبط با آن بود که در سه سطح مفهومی تنظیم شد. واکاوی شناسه‌های قرآنی مربوط به فضل می‌رساند که رحمت، مهربانی، گذشت، حمایت‌گری و امیدبخشی و اطمینان به برخورداری از حمایت خداوند، ارکان اصلی مواجهه از روی فضل هستند. همچنین می‌فهماند که رفتار فاضلانه رفتاری است خالص و اصیل که به جای گره خوردن به عملکرد مخاطب، بر بنای بزرگواری بسیار و مهربانی و سعه صدر خداوند استوار می‌شود؛ یعنی ملاک مواجهه از روی فضل، کردار نیک انسان‌ها نیست؛ بلکه علت اصلی (انگیزه) ایجاد این نوع مواجهه، بزرگواری و خیرخواهی در جانب پروردگار است (تفضل مشروط به عمل انسان نیست). باتوجه به این مؤلفه بنیادین در رفتار فاضلانه، انتظار می‌رود که با اصول روان‌شناختی انسان‌گرا همساز باشد و مهم‌تر اینکه، این الگوی رفتاری با مبانی و اصول تربیت اسلامی نیز سازگار است. انسان در نگرش اسلامی، موجودی با کرامت ذاتی، اختیار، عزت‌خواهی، خردورزی و عاطفه مهرطلبی و مهرورزی به شمار می‌رود. الگوی رفتاری «فزون‌بخشی فارغ از استحقاق» به سبب توجه به کرامت انسان و احترام به آزادی و خرد او، الگویی هماهنگ با همین نگرش ارزیابی می‌شود. باین حال، شاید این پرسش مطرح شود که آیا رفتار فاضلانه با روش‌های پاداش و تنبیه مطرح‌شده در قرآن که رنگ و بوی رویکردهای رفتارگرایانه را در خود دارند، متناقض نیست؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در بسامد بالای آیات فضل و رحمت خدا جست‌وجو کرد. شاید فراوانی این دو مضمون در قرآن با این اهداف باشد که: اولاً، راهبردی مقابله‌ای با همین ذهنیت تربیتی مبتنی بر پاداش و تنبیه ایجاد شود؛ ثانیاً، تأکیدی بر این مطلب باشد که پایه رابطه تربیتی بین مربی و متربی باید بر بنای تفضل و رحمت سامان یابد، به‌گونه‌ای که متربی، خود را در فضایی امن و مملو از مهر و پذیرش احساس کند. در همین راستا می‌توان گفت که رابطه براساس فضل و رحمت قادر است جهانی از معنا را بسازد که در آن احساسی نزدیک به احساس «پذیرفتگی بدون شرط» به‌عنوان احساسی برآمده از رابطه تربیتی انسان‌گرایانه تجربه‌شدنی باشد؛ چراکه در این‌گونه تعامل، بیشتر به انسان به‌ماهوانسان ارزش نهاده می‌شود (این تحلیل به‌معنای تأیید همه اندیشه رهیافت انسان‌گرایانه یا تقلیل اصول و روش‌های تربیت اسلامی نیست و فقط برای فهم دلالت و نوع‌شناسی یکی از اصول و روش‌های تربیت اسلامی ارائه می‌شود؛ نقد و بررسی رهیافت انسان‌گرایانه در جای خود درخور پیگیری است).

منابع

قرآن کریم

ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه، چاپ پنجاهم، ۱۳۹۷.
- بشیری، ابوالقاسم، مجتبی حیدری. روانشناسی شخصیت: نظریه شخصیت با نگرش به منابع دینی. قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- بونگه، ماریو، روبن آردیلا. فلسفه روانشناسی و نقد آن. ترجمه محمد جواد زارعان و دیگران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح اللغة. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
- خنفر، حسین، ناهید مسلمی. اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- رضایی کهنمویی، علی. «بازکاوی معنای ماده رحمت؛ به ویژه در مقام انتساب به خدای سبحان». مشکوة. س ۴۰، ش ۱۵۱ (۱۴۰۰): ۱۲۶-۱۴۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.16838033.1400.40.2.6.8>
- شکرکن، حسین و همکاران. مکتب های روانشناسی و نقد آن. تهران: سمت، چاپ نهم، ۱۳۹۹.
- شیخ زاده، محمد، رضا بنی اسدی. تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها. تهران: لوگوس، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- شولتز، دوان پی، سیدنی الن شولتز. نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۳.
- طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: الأعلمی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن. مصباح المتعبد. بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- طیب حسینی، محمود، محمد حسین شیرزاد، محمد حسن شیرزاد. «وجه معنایی اجر در قرآن کریم با تکیه بر معناشناسی تاریخی». مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۵، ش ۳ (پاییز ۱۴۰۰): ۳۱-۵۸. <https://doi.org/10.22034/isqs.2021.37333.1793>
- عسکری، حسن بن عبدالله. الفروق فی اللغة. بیروت: دار الافاق الجدیدة، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- فیرس، جری، ترال، تیموتی ج. روانشناسی بالینی: مفاهیم، روش ها و حرفه. تهران: رشد، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳.
- کن، الفی. نه تشویق، نه تنبیه. ترجمه اکرم اکرمی. تهران: صابرین، چاپ هفتم، ۱۴۰۰.
- کوری، جرالده. نظریه و کاربرد مشاوره و روان درمانی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: بی نا، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۳.
- گنجی مهدی، حمزه گنجی. روانشناسی بالینی. تهران: ساولان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- لاندین، رابرت ویلیام. نظریه ها و نظام های روانشناسی؛ تاریخ و مکتب های روانشناسی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ویرایش، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۷.

- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
- هرنگهان، بی‌آر. درآمدی بر تاریخ روانشناسی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2): 77–101. doi:10.1191/1478088706qp063oa. S2CID 10075179
- <https://dictionary.apa.org/unconditional-positive-regard>.

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

- ‘Askari, Ḥasan ibn ‘Abd Allah. *al-Furūq fī al-Lughā*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadida. Chāp-i Awwal, 2022/1400.
- Bāqirī, Khusrū. *Nigāhī Dūbārīh bi Tarbiyat Islāmī*. Tehran: Madrisah, Chāp-i Panjāhum, 2019/1397.
- Bashīrī, Abū al-Qāsim, Muḥtabā Ḥaydari. *Ravānshināsī Shakhshiyat: Nazāriyih-yi Shakhshiyat bā Nigarish bi Manābi‘ Dīnī*. Qum: Mū’assisah-yi Āmūzishī Imām Khumīnī, Chāp-i Awwal, 2018/1396.
- Bunge, Mario, Ruben Ardila. *Falsafah-yi Ravānshināsī va Naqd ān*. Translated by Muḥammad Javād Zārī ‘ān et al. Qum: Pazhūhishgāh Ḥawzah va Dānishgāh, Chāp-i Awwal, 2010/1388.
- Corey, Gerald. *Nazāriyih va Kārbast Mushāvirih va Ravāndarmānī*. Translated by Yahyā Sayyid Muḥammadi. Tehran: s.n. Chāp-i Sizdahum, 2015/1393.
- Ganjī, Mahdī, Ḥamzih Ganjī, *Ravānshināsī Balīnī*. Tehran: Sāvlān, Chāp-i Awwal, 2017/1395.
- Hergenahhn, B.R., *Dar Āmadī bar Tārīkh Ravānshināsī*. Translated by Yahyā Sayyid Muḥammadi. Tehran: Arasbārān, Chāp-i Awwal, 2011/1389.
- Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughā*. Qum: Maktab al-‘Ālām al-Islāmī, Chāp-i Awwal, 1984/1404.
- Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Šādir, Chāp-i Sivum, 1993/1414.
- Jawharī, Ismā‘īl ibn Ḥammād. *Šiḥāh al-Lughā*. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn. Chāp-i Awwal, 1957/1376.
- Khanifar, Ḥusayn, Nāhid Muslimī. *Uṣūl va Mabānī Ravish-hā-yi Pazhūhish Kiyfī*. Tehran: Nigāh Dānish, Chāp-i Chāhārum, 2020/1398.
- Kohn, Alfie. *Na Tashvīq, na Tanbīh*. Translated by Akram Akramī. Tehran: Šābirīn, Chāp Haftum,

2022/1400.

Lundin, Robert William. *Nazarīyih-hā va Nizām-hā-yi Ravānshināsī; Tārīkh va Maktab-hā-yi Ravānshināsī*.

Translated by Yahyā Sayyid Muḥammadi. Tehran: Vīrāyish, Chāp-i Chāhārdahum, 2019/1397.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. Chāp-i Dahum, 1993/1371.

Murtaḍā Zabīdī, Muḥammad ibn Muḥammad. *Tāj al-ʿArūs min Jawāhir al-Qāmūn*. Beirut: Dār al-Fikr, Chāp-i Awwal, 1993/1414.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī, Chāp-i Awwal, 1990/1368.

Phares, E. Jerry, Trull, Timothy J. *Ravānshināsī Bālinī: Mafāhīm, Ravish-hā va Hīrfih*. Tehran: Rushd: Chāp-i Sizdahum, 2015/1393.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān*. Beirut: Dār al-ʿIlm. Chāp-i Awwal, 1992/1412.

Rizāyī Kahnāmūyī, ʿAlī. “Bāzkāyī Maʿnā-yī Mādih-yi Raḥmat; bi Vīzhīh dar Maqām Intisāb bi Khudāy Subḥān”. *Mishkāt*. Yr. 40, no. 151 (2022/1400): 126-149.

Schultz, Duane P, Sydney Ellen Schultz. *Nazarīyih-hā-yi Shakhshīyat*. Translated by Yahyā Sayyid Muḥammadi. Tehran: Vīrāyish, Chāp-i Bist va Hashtum, 2015/1393.

Shaykhzādīh, Muḥammad, Rizā Banī Asadī. *Taḥlīl Maḥmūn: Mafāhīm, Rūykard-hā, Kārburd-hā*. Tehran: Lūgūs, 2021/1399.

Shikarkan, Ḥusayn et al. *Maktab-hā-yi Ravānshināsī va Naqd ān*. Tehran: Samt, Chāp-i Nuhum, 2021/1399.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majmaʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Nāṣir Khusrū. Chāp-i Sivum. 1994/1372.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fī Tafsīr al-Qurān*. Qum: al-Aʿlamī, Chāp-i Duwum, 1970/1390.

Ṭīb, Ḥusaynī, Maḥmūd, Muḥammad Ḥusayn Shīrẓād, Muḥammad Ḥasan Shīrẓād. “Wujūh Maʿnāyī Ajr dar Qurān-i Karīm bā Tikīyih bar Maʿnashināsī Tārīkhī”. *Muṭālīʿāt Qurānī va Farhang Islāmī, Pazhūhishgāh-i Ulūm-i Insānī va Muṭālīʿāt-i Farhangī*. Yr. 5, no. 3 (autumn 2022/1400): 31-58.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Miṣbāḥ al-Mutahajjid wa Silāḥ al-Mutaʿabbid*. Beirut: Chāp-i Awwal, 1991/1411.